

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر و تاثیر آن بر همکاری میان کشورهای ساحلی

علی تیزتک^۱

حمید احمدی^۲

کیهان برزگر^۳

استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی و تاسیس کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر، ناگزیر وضعیت حقوقی این دریا که به واسطه قراردادهای قبلی (به صورت ناقص) شکل گرفته بود، تحت تاثیر قرار داد و اقدامات یک‌جانبه کشورهای ساحلی دریای خزر در زمینه بهره‌برداری از منابع انرژی این دریا و امضای قراردادهای نفتی و گازی با شرکت‌های بزرگ غربی موجب بروز اختلاف نظر و ابهاماتی در خصوص رژیم حقوقی این دریا و بهره‌برداری از منابع زیر بستر آن شده بود. هجوم شرکت‌های نفتی و گازی غربی برای بهره‌برداری از طلای سیاه نهفته در دریای خزر به این منطقه در کنار دشواری‌های مربوط به عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، اختلاف میان کشورهای ساحلی را بیشتر نمایان نموده و باعث طولانی شدن روند مذاکرات برای دستیابی به توافق جامع در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر شده بود. امضای «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» به مثابه دستاوردی مهم ضمن رفع خیلی از ابهامات و اختلاف‌نظرها در مورد مسائل این دریا، چارچوب کلی همکاری‌ها میان کشورهای ساحلی را تعیین نموده و دریای خزر را به قطب دیگری از همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد. این مقاله با هدف واکاوی چگونگی و زمینه‌های همکاری میان کشورهای ساحلی در پرتو کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر تدوین شده است و به دنبال ارائه پاسخی مناسب به این پرسش محوری است که «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر چگونه و از چه راه‌هایی / به چه شیوه‌هایی می‌تواند همکاری میان کشورهای ساحلی را تحت تاثیر قرار داده و بهبود ببخشد؟» فرضیه مقاله این است که کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر با برطرف نمودن خیلی از ابهامات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به ایجاد فرصت‌های جدید برای همکاری میان کشورهای ساحلی منجر می‌شود. مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از روش‌شناسی استقرائی-استنتاجی، داده‌ها به روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: دریای خزر، رژیم حقوقی، کنوانسیون وضعیت حقوقی و کشورهای ساحلی دریای خزر.

^۱ دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.
Email:tiztak11@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول، استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email:hahmadi@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email:k-barzegar@srbiau.ac.ir

مقدمه

با شروع فرمانروایی پترکبیر در روسیه در آغاز قرن هیجدهم که مصادف بود با فروپاشی حکومت صفویه در ایران، روس‌ها با سوءاستفاده از اوضاع آشفته و نابسامان داخلی ایران، سواحل غربی دریای خزر را مورد تاخت و تاز سپاهیان خود قرار دادند (امیراحمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲) و حاکمیت ایران در خزر محدود شد. در دوره قاجار هم در نتیجه دو جنگ میان روسیه و ایران و طی قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸)، ایران حاکمیت خود را بر بخش‌های زیادی از مناطق قفقاز از دست داد (دمیرچی لو، ۱۳۹۸: ۹۹) و وضعیت دریای خزر تا پایان حکومت تزارها مطابق عهدنامه ترکمنچای، حق حضور کشتی‌های نظامی در دریای خزر صرفاً برای روسیه محفوظ ماند (Vinogradov and Wouters, 1995: 607). با پایان یافتن حیات سیاسی (خانان رومانوف^۱ و تزارها) و بروز انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در این کشور، وضعیت حقوقی دریای خزر که تحت الشعاع دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای بود، دچار دگرگونی شد. از آغاز دهه ۲۰ میلادی تا شروع دهه ۴۰ میلادی شاهد انعقاد سه موافقتنامه مهم طی سال‌های ۱۹۲۱، ۱۹۲۷ و چندین معاهده کشتیرانی منتهی به ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی هستیم. به موجب عهدنامه ۱۹۲۱، اگرچه کلیه موافقتنامه‌هایی که قبلاً میان ایران و روسیه منعقد و به نوعی حقوق ملت ایران در آنها نادیده گرفته یا تزییع شده بود، ملغی اعلام گردید ولی در همین عهدنامه اصلی‌ترین حقوق تزییع شده ایران، یعنی جدایی اراضی از دست رفته در قفقاز، تثبیت شد و فصول ۵ و ۶ و ۷ هم به ایران تحمیل گردید و روس‌ها حاضر به پس دادن این اراضی به ایران نشدند. مطابق قرارداد ۱۹۲۱ با لغو انحصار کشتیرانی نظامی روسیه، تعادل و توازن در مناسبات دو کشور در دریای خزر ایجاد و آزادی کشتیرانی هر یک از طرفین به رسمیت شناخته شد؛ اما در عمل ایران هرگز نتوانست با همسایه خود از این تساوی حقوقی بهره‌مند گردد (بهمنی، ۱۳۸۹: ۳۱).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر، ناگزیر وضعیت حقوقی این دریا که به واسطه قراردادهای قبلی (به صورت ناقص) شکل گرفته بود، تحت تاثیر قرار داد و اقدامات یک‌جانبه کشورهای ساحلی دریای خزر در زمینه بهره‌برداری از منابع انرژی این دریا و امضای قراردادهای نفتی و گازی با شرکت‌های بزرگ غربی موجب

^۱. Romanov

بروز اختلاف نظر و ابهاماتی در خصوص رژیم حقوقی این دریا و بهره‌برداری از منابع زیر بستر آن شده بود. در چنین شرایطی، کشورهای جدید حاشیه دریای خزر (به خصوص جمهوری آذربایجان و قزاقستان) روابط نوین سیاسی و اقتصادی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز و زمینه‌ساز حضور قدرت‌های مداخله‌گر در این منطقه شدند (میرطاهر و سپهریان، ۱۳۸۱: ۴۵) و با توجه به اولویت‌های مورد نظر، مواضع و منافع خود را در این دریا دنبال نمودند. در حقیقت دهه ۹۰ میلادی را می‌توان، دوران اوج تقابل نظرات و دیدگاه‌های کشورهای ساحلی درباره رژیم حقوقی دریای خزر و نحوه بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری آن دانست. کشورهای ساحلی در این مقطع زمانی به جای تلاش برای مذاکره برای حصول تفاهم مشترک به صدور بیانیه‌های یک‌جانبه یا دوجانبه مبادرت می‌ورزیدند؛ به نحوی که اسناد زیادی توسط کشورهای ساحلی متضمن مواضع آنها نزد دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسید. اما به تدریج محتوی و لحن اسناد ثبت شده در سازمان ملل متحد به سمت و سوی تاکید بر لزوم بهره‌گیری از نظرات پنج کشور ساحلی و تحکیم همکاری میان تمام کشورهای ساحلی پیش رفت و مذاکرات پنج‌جانبه تدوین رژیم حقوقی این دریا آغاز شد. به‌رغم انجام این مذاکرات تا سال ۲۰۱۸، مذاکرات کشورهای ساحلی دستاورد مشخص و ملموسی نداشت. می‌توان اذعان نمود، دستیابی به توافق مشترک پس از بیش از بیست سال مذاکره و حصول توافق در مورد «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»^۱، یک دستاورد و پیروزی دیپلماتیک بوده؛ زیرا خیلی از اختلاف نظر و ابهام‌ها در مورد رژیم حقوقی این دریا را پایان داد.

این مقاله به دنبال واکاوی ویژگی‌ها، اهمیت کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر و چگونگی تاثیرگذاری آن بر همکاری میان دولت‌های ساحلی و به دنبال ارائه پاسخی مناسب به این پرسش محوری است که «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر چگونه می‌تواند همکاری میان کشورهای ساحلی را تحت تاثیر قرار داده و بهبود ببخشد؟» فرضیه به آزمون گذاشته شده این است که «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر با برطرف نمودن خیلی از

^۱. کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea)

مشمول بر ۲۴ ماده در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ (۱۲ آگوست ۲۰۱۸) در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در شهر ساحلی آکتائو قزاقستان توسط روسای جمهور فدراسیون روسیه، جمهوری قزاقستان، جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به امضاء رسید. این کنوانسیون به تصویب مجالس چهار کشور ساحلی به غیر از ایران رسیده است. البته این کنوانسیون هنوز اجرایی نشده است.

ابهام‌ها در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به ایجاد فرصت‌های جدید همکاری میان کشورهای ساحلی دریای خزر منجر می‌شود». مقاله حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش شناسی استقرایی - استنتاجی، داده‌ها به روش مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل اسنادی و ارزیابی محتوایی کنوانسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

چارچوب نظری، تمام نظریه‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای^۱ را می‌توان براساس دو معیار و متغیر هستی‌شناسی^۲ و معرفت‌شناسی^۳ طبقه‌بندی کرد. از نظر هستی‌شناختی، نظریه‌های همگرایی و همکاری منطقه‌ای به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از نظریه‌های همگرایی، منطقه را فرآیندی تصور می‌کنند که ویژگی‌های موجود کشورهای عضو و نظام بین‌دولتی را که جزئی از آن هستند، باز تولید می‌کند. بعضی دیگر از نظریه‌ها، همگرایی و همکاری منطقه‌ای را فرآیندی می‌پندارند که سرشت ماهیت این بازیگران ملی، دارای حاکمیت و روابط آنها با یکدیگر را دگرگون می‌سازد. به لحاظ معرفت‌شناسی نیز در جمع‌آوری اسناد و مدارک برای پایش و ارزیابی این روندها بعضی از نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای به طور عمده بر رخدادهای سیاسی مهم تأکید می‌ورزند در حالی که برخی دیگر از آنها مبادلات و ارتباطات مستمر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهند. در یک نتیجه‌گیری کلی از نظریات همگرایی و همکاری منطقه‌ای، می‌توان بیان داشت، دولت‌های ملی براساس منافع ملی خود مسیر و گستره همکاری و همگرایی و حوزه اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای منطقه‌ای را تعریف و تعیین می‌کنند. از این رو، سرنوشت همکاری و همگرایی منطقه‌ای وابسته به هزینه - فایده اعضای آن است و همکاری و همگرایی تا زمانی که تامین‌کننده منافع ملی اعضا است تداوم، توسعه و تعمیق خواهد یافت. از این رو با توجه به پیوستگی جغرافیایی، الزامات و نیازهای درون منطقه‌ای و سرنوشت مشترک کشورهای ساحلی دریای خزر و چارچوب مفهومی این مقاله می‌توان از نظریه «نوکارکردگرایی»^۴ ارنست‌هااس^۵ اقتباس نمود. یکی از دلایلی که از این نظریه استفاده می‌شود این است که «نوکارکردگرایی» به دنبال نوعی همکاری است که منطقه را مبنا قرار

^۱. Regional Integration and Cooperation Theory

^۲. Ontology

^۳. Epistemology

^۴. Neofunctionalism

^۵. Ernest B. Haas

داده و همکاری را وابسته به فرآیندهای جهانی شدن نمی‌نماید (سیمبر، افشاریان، ۱۳۹۹: ۷۵-۷۷). این نظریه با تاکید بر منافع مشترک و سرایت حوزه‌های اقتصادی به حوزه‌های سیاسی، رویکردی مناسب برای تبیین همکاری‌های منطقه‌ای در دریای خزر است. طبق این رهیافت نظری، همکاری میان دولت‌های ساحلی دریای خزر در چارچوب کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر موجب تحکیم مناسبات و همکاری‌های پنج‌جانبه در زمینه‌های مختلف در دریای خزر خواهد شد زیرا نیاز به همکاری و تعامل، کشورهای ساحلی این دریا را به یکدیگر بیشتر پیوند می‌دهد و باعث تسری همکاری از یک بخش به سایر بخش‌ها می‌شود.

این مقاله در قالب نظریه رژیم‌های بین‌المللی^۱ هم قابل تبیین است زیرا رژیم‌های بین‌المللی به مفهوم مجموعه مقررات، هنجارها و رویه‌ها در روابط بین‌الملل با ایجاد سازوکار همکاری میان دولت‌ها باعث تقویت اعتماد و امنیت می‌شوند. نقش و اهمیت «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» در زمینه ایجاد سازوکارهای همکاری میان دولت‌های ساحلی و تقویت اعتماد و امنیت قابل توجه می‌باشد. این کنوانسیون می‌تواند، مواضع کشورهای ساحلی را تنظیم و چشم‌انداز همکاری‌های آینده را ترسیم نماید.

۱. پیشینه مذاکرات پنج‌جانبه

هر چند در گذشته اسناد و توافقاتی میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی در زمینه دریای خزر در اسناد مختلف وجود داشت ولی با این حال، کشورهای ساحلی دریای خزر در دهه ۹۰ میلادی با استناد به دلایلی به دنبال ایجاد نظام حقوقی جدیدی در خصوص مسایل دریای خزر با حضور پنج کشور ساحلی بودند: عدم وجود سندی که صرفاً به مسایل دریای خزر اختصاص داشته باشد؛ جواب‌گو نبودن اسناد قبلی با توجه به گذشت زمان طولانی از انعقاد آنها؛ ضرورت انعقاد اسناد جدید با توجه به نیاز روز کشورهای ساحلی؛ لزوم مرزبندی و تقسیم بندی مناطق دریای خزر براساس تغییرات ژئوپلیتیک جدید (هاشمی، ۱۳۹۹: ۲۰).

اولین چالش میان کشورهای ساحلی در مذاکرات برای تدوین سندی در زمینه وضعیت حقوقی خزر با برگزاری اجلاس مدیران کل حقوقی وزارت امور خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ بروز نمود و البته این اجلاس نتوانست در

^۱. Theory of International Regimes

جهت حل و فصل رژیم حقوقی دریای خزر نقش موثر ایفاء نماید. در نهایت با در نظر گرفتن ضرورت تدوین رژیم حقوقی جدید دریای خزر و با توجه به تغییرات و فرآیندهای به وقوع پیوسته در حاشیه دریای خزر، وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی در نوامبر سال ۱۹۹۶ طی اجلاسی در ترکمنستان تصمیم گرفتند، "گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر"^۱ در سطح معاونین وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی و نمایندگان ویژه در امور دریای خزر تشکیل شود. این گروه با تشکیل نشست های مختلف از سال ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۱۸ میلادی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در تدوین کنوانسیون داشت (Pritch, 2019:4). در این روند باید از نقش و تاثیر گذاری نتایج اجلاس های سران و وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی خزر در پیشبرد و دستیابی به توافقات نام برد. با این وجود با توجه به تغییرات ژئوپلیتیک به وقوع پیوسته در حوزه دریای خزر و نیازمندی های هر یک از کشورهای ساحلی به خصوص کشورهای تازه استقلال یافته نسبت به بهره برداری از منابع هیدروکربوری دریای خزر، هر کشور ساحلی در روند تدوین اسناد مختلف مربوط به این دریا اهداف و منافع خاص خود را دنبال می کردند. در همین رابطه می توان، رفتار کشورهای ساحلی را به دو دسته رویکرد مبتنی بر اولویت منافع امنیتی و حاکمیتی و رویکرد مبتنی بر اولویت منافع و بهره برداری اقتصادی و تجاری از دریای خزر تقسیم نمود. بر همین اساس، یکی از علت های طولانی شدن مذاکرات مربوط به تدوین رژیم حقوقی دریای خزر را می توان ناشی از منافع و مواضع کشورهای ساحلی در اولویت قراردادن یکی از این دو رویکرد و تعارض میان آنها دانست (هاشمی، ۱۳۹۹: ۲۱). علاوه بر این در روند مذاکرات مربوط به تدوین اسناد دریای خزر این سؤال مهم مطرح شده بود که ارتباط کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر که مذاکرات آن ادامه داشت و هنوز منعقد نشده بود با سایر اسناد تخصصی در دست تدوین چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر، آیا کشورهای ساحلی ابتدا باید کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را نهایی و منعقد کنند و سپس برای تدوین سایر اسناد اقدام نمایند؟ سرانجام تصمیم کشورهای ساحلی خزر بر آن شد که مذاکرات مربوط به تدوین کنوانسیون وضعیت حقوقی و سایر اسناد تخصصی دریای خزر به موازات یکدیگر و با در نظر داشت ملاحظات وضعیت حقوقی و همچنین نظارت گروه کاری و نمایندگان ویژه،

^۱. Ad Hoc Working Group on drafting the Convention on the Legal Status of the Caspian Sea

پیگیری و انجام شود. بنابراین این تصمیم، راه‌گشای ادامه همکاری‌ها، مذاکرات و انعقاد اسناد پنج‌جانبه متعدد تخصصی در زمینه دریای خزر شد و عدم اطمینان از آینده رژیم حقوقی دریای خزر مانع از آن نشد که کشورهای ساحلی درباره سایر مسائل این دریا مانند بالا یا پائین آمدن سطح آب و هواشناسی، حفاظت از محیط زیست، شیلات و حفاظت از منابع زنده این دریا با یکدیگر همکاری نکنند.

گروه کاری ویژه تدوین رژیم حقوقی دریای خزر طی پنجاه و پنج نشست به علاوه دوازده اجلاس در سطح وزرای امور خارجه و پنج اجلاس در سطح روسای جمهور، متن پیش نویس "کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر" را نهایی و آماده نمود. این کنوانسیون در نهایت در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در شهر آکتائو قزاقستان مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ (۱۲ آگوست ۲۰۱۸) به امضاء رسید (Garibov, 2019:4). در رابطه با امضای این کنوانسیون نکته حائز اهمیت این است که کشورهای ساحلی به دلیل تلاقی منافع ژئوپلیتیک آنها تصمیم گرفتند در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر رفتار همکاری‌جویانه‌ای با هم داشته باشند و اجازه ندهند، دریای خزر به منطقه‌ای برای ایجاد تنش‌های جدید باشد. در این رابطه می‌توان به دو عامل مهم ژئوپلیتیک در جهت حصول توافق میان کشورهای ساحلی و تسریع در امضای این کنوانسیون اشاره نمود؛ اول، اعمال فشارها و تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه روسیه و ایران باعث همگرایی بیشتر مواضع این دو کشور در خصوص مسائل مختلف از جمله دریای خزر گردید. دوم، نگرانی از افزایش حضور چین و آمریکا در منطقه دریای خزر این انگیزه را در ایران و روسیه تقویت کرد تا همکاری منطقه‌ای را در برابر نفوذ ابرقدرت‌ها در دریای خزر تقویت کنند (Orazgaliyev and Araral, 2019:974). البته غالباً سیاست‌های روسیه در قبال مسائل دریای خزر واکنش تاکتیکی نسبت به ابتکارها و اقدامات چین و آمریکا یا بازتابی از وضعیت گسترده تر روابطش با این قدرت‌های بزرگ بوده است (Bayramov, 2020:25). برخی معتقدند، مذاکرات مربوط به کنوانسیون و امضای آن در بهترین شرایط ایران و زمانی که تحریم‌ها علیه ایران تقریباً برداشته شده بود و وضعیت افکار عمومی نسبت به ایران هم خوب بود، صورت گرفت. اما تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در آن مقطع علیه روسیه و فشارها علیه ایران بی‌تاثیر نبود. به هر حال امضای این کنوانسیون به معنی پایان تمامی مذاکرات درباره مسائل دریای خزر نیست؛ بلکه مباحث و مسائل دیگری از جمله تعیین خطوط مبدا، تحدید حدود، مالکیت حوزه‌های نفتی مورد اختلاف و تعبیه خطوط لوله در

بستر دریای خزر وجود دارند که باید در آینده حل و فصل شوند (Garibov, 2019:4). در همین رابطه لازم به ذکر است، اجلاس‌ها و مذاکرات مربوط به روش ترسیم خطوط مبدا میان پنج کشور ساحلی دریای خزر به صورت نوبتی در یکی از کشورهای ساحلی برگزار می‌گردد که تاکنون سه نوبت آن برگزار شده است.

۲. تاثیرگذاری کنوانسیون بر همکاری در دریای خزر

قبل از بررسی اهمیت کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر و چگونگی تاثیرگذاری آن بر همکاری میان کشورهای ساحلی، ابتدا لازم است به صورت خلاصه به مواضع گذشته کشورهای ساحلی درباره رژیم حقوقی این دریا اشاره شود. فدراسیون روسیه ابتدا با توجه به نگرش امنیتی نسبت به دریای خزر، سیاست حفظ وضع موجود تسلط حداکثری، اعمال رژیم مشاع و اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را در دستورکار خود قرار داد و معتقد بود که معاهدات موجود با توجه به شکل‌گیری کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر نیازمند بازنگری هستند (Rmazonova, 2012:13). اما روسیه به تدریج سیاست و خط‌مشی دوگانه‌ای را در پیش گرفت (بهمنی، ۱۳۸۹:۶۶) و در راستا سیاست خود در سال ۱۹۹۷ ابتدا به صورت کلی حد ۴۵ مایل دریایی را به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی و شیلاتی کشورهای ساحلی پیشنهاد کرد و سپس در سال ۱۹۹۸ موضع خود را تغییر داده و با قزاقستان و جمهوری آذربایجان در مورد تقسیم کف دریا در مناطق شمالی دریای خزر و تعیین حدود به صورت دوجانبه و سه جانبه^۱ به تفاهم رسید (Saivetz, 2000:53).

جمهوری آذربایجان ابتدا با هدف کسب منافع بیشتر از منابع دریای خزر موضع تقسیم کامل دریا بر مبنای خط میانی^۲ به بخش‌های ملی را با توجه به میزان خطوط ساحلی کشورها مطرح کرده بود (Bayramov, 2020:14) و فعالیت‌های نفتی و گازی خود را براساس تقسیمات زمان اتحاد جماهیر شوروی توجیه می‌کرد و خود را متعهد به تعهدات قراردادی اتحاد جماهیر شوروی در مورد دریای خزر نمی‌دانست و قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را قبول

^۱ تعیین حدود به صورت دوجانبه و سه جانبه انجام می‌شود. در تعیین حدود به صورت سه‌جانبه، محل تلاقی مرزها و نقطه ثلثه مشخص می‌شوند. این سیاست روسیه موجب افزایش اختلاف نظر و اعتراض ایران شده بود.

^۲ Median Line

نداشت (محمدی، ۱۳۹۰:۱۰۹) و معتقد بود، تغییرات جدید به وجود آمده در منطقه دریای خزر مستلزم رویکرد و تعاریف جدید از رژیم حقوقی این دریا می‌باشد (Kepbanov, 1998:1). از طرفی، جمهوری قزاقستان هم معتقد بود، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اعتبار خود را از دست داده و دریای خزر نیازمند رژیم حقوقی جدید بر مبنای کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها^۱ سال ۱۹۸۲ می‌باشد (Bayramov, 2020:14). هدف قزاقستان از تعقیب این سیاست و برقراری رژیم حقوقی جدید دریای خزر بر مبنای کنوانسیون ۱۹۸۲، تلاش برای دسترسی به آب‌های آزاد از طریق آبراه‌های داخلی روسیه بود (بهمنی، ۱۳۸۹:۷۲). البته طبق بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر حق دسترسی آزاد به سایر دریاها و اقیانوس جهانی به کشورهای ساحلی داده شده است.

آنچه که از مواضع اعلامی رسمی و بیانیه‌های سیاسی - حقوقی ترکمنستان بر می‌آید این است که این کشور تا قبل از سال ۱۹۹۷ از رژیم مشاع در دریای خزر دفاع می‌کرد و در این زمینه با ایران و روسیه نظر مشترکی داشت. اما در سال ۱۹۹۷ از ایده قزاقستان مبنی بر تقسیم دریا پشتیبانی نمود (محمدی، ۱۳۹۰:۱۱۰) و خواستار اعمال رژیم مشاع و ایجاد حاشیه امنیتی مناسب برای خود بود. ترکمنستان بر این اساس در اکتبر ۱۹۹۳ در قالب قانون مرزهای دولتی، محدوده ۱۲ مایل در دریای خزر را به عنوان منطقه ملی خود مطرح و اعلام نمود تا زمان تعیین رژیم حقوقی جدید از اصول حاکم بر تقسیم این دریا میان جمهوری‌های شوروی که در سال ۱۹۷۰ بر اساس یک دستورالعمل صادره از مسکو تعیین شده بود، تبعیت می‌کند (دمیرچی لو، ۱۳۹۸:۱۸۷).

ایران همانند روسیه بر اعمال رژیم مشاع و کندومینیوم^۲، عدم وجود هرگونه مرزبندی در دریا و اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تاکید داشت (Barbara, 2005:5) و متعاقباً با مشاهده اقدامات یک‌جانبه سایر کشورهای ساحلی، موضع تقسیم مساوی بیست درصدی منابع زیر بستر و مشاع آب را مطرح و به همه کشورهای ساحلی اعلام نمود در محدوده بیست درصدی مورد نظر خود به دیگر کشورها اجازه نخواهد داد به فعالیت‌های اکتشاف و بهره برداری نفت و گاز مبادرت ورزند. مرور مواضع کشورهای ساحلی نشان از پیچیدگی‌های ویژه حقوقی و ملاحظات غلیظ سیاسی دارد. حساسیت همه کشورهای ساحلی به هویت

^۱. United Nations Convention on the Law of the Sea

^۲. Condominium

تاریخی خود، فوریت درآمدهای نفت و گاز برای توسعه یکایک کشورها در کنار مجموعه‌ای از عوامل سیاسی و حقوقی سبب شده‌اند هر پنج کشور، رژیم حقوقی دریای خزر را به نفع خود تفسیر و تدبیرکنند (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). بنابراین اتخاذ مواضع غیرهمسو کشورهای ساحلی درباره رژیم حقوقی این دریا تا قبل از امضای «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» مانع از شکل‌گیری یک همکاری پنج‌جانبه شده بود؛ به طوری که اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه کشورها ساحلی به طور عمده باعث اختلافات سیاسی و برخی مواقع تا حد تهدیدهای نظامی (Garibov, 2019: 3) در دریای خزر پیش رفته بود. بدیهی است، ادامه چنین وضعیتی می‌توانست منطقه دریای خزر را به سمت تنش و بی‌ثباتی بیشتر سوق دهد.

در چنین فضای متزلزل و شکننده سیاسی و امنیتی، امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به مثابه قانون اساسی دریای خزر با تعیین چارچوب کلی همکاری‌ها میان کشورهای ساحلی و با هدف توسعه و تقویت همکاری میان طرفها و تسهیل پیشرفت و همکاری در دریای خزر، فضای مثبت و بسترهای لازم را برای تقویت همگرایی و همکاری میان کشورهای ساحلی فراهم کرده است. در اجلاس آکثائو، علاوه بر کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، شش موافقتنامه دیگر به امضا رسید که هر کدام از آنها می‌توانند، زمینه‌های مناسبی برای همکاری‌های آینده میان پنج کشور فراهم کند. سخنان روسای جمهور پنج کشور ساحلی پس از امضای کنوانسیون مبنی بر اینکه کنوانسیون یک سند تاریخی است و سطح عالی اعتماد و همکاری میان پنج کشور ساحلی دریای خزر را نشان می‌دهد و این سند حاکی از تمایل کشورهای ساحلی برای همکاری‌های نزدیک است، موید آن می‌باشد که امضای کنوانسیون به مثابه قانون اساسی منطقه‌ای^۱ (Phoebe Greenwood, 2018: 1) و یک پیروزی دیپلماتیک اقدامی رو به جلو و مناسب برای گسترش همکاری میان کشورهای ساحلی می‌باشد. موضوعات کلیدی که در این کنوانسیون مدنظر قرار گرفته است، شامل رژیم حقوقی آب‌ها، بستر و زیر بستر، بهره‌برداری از منابع طبیعی دریای خزر و بستر آن، رژیم جامع ماهیگیری، دریاوردی در دریای خزر، ترانزیت از/ به دریاها، آزاد، حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی دریای خزر و سازوکار حل اختلافات می‌باشد (Müller Daniel and Ketevan Betanel, 2018). کشورهای ساحلی در پرتو اجرای این کنوانسیون می‌توانند، دریای خزر را به قطب دیگری از

^۱. Regional Constitution

همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل نموده، بحران‌های آبی را مدیریت و از منابع و فرصت‌های موجود در دریای خزر به نفع ملت‌های خود استفاده کنند.

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر چارچوب کلی همکاری‌های نظامی و امنیتی در این دریا را تعیین نموده است. ماده ۳ کنوانسیون کشورهای ساحلی را ملزم می‌سازد، توسعه توانایی‌های نظامی خود را در حدکفاف معقول^۱ و با توجه به منافع همه طرف‌ها و بدون خدشه به امنیت یکدیگر گسترش دهند. برخی عقیده دارند، روسیه برای حفظ مناسبات دوستانه با کشورهای ساحلی و با هدف جلب اعتماد این کشورها هنگام تنظیم متن نهایی کنوانسیون در خصوص همکاری‌های نظامی و امنیتی در دریای خزر، سیاست منعطفی را اتخاذ نموده است (Pritchins, 2019). همچنین مقررات الزام آور مندرج در کنوانسیون مبنی بر ممنوعیت ورود و حضور نیروهای نظامی کشورهای ثالث در دریای خزر با هدف تضمین شفافیت و تقویت اعتماد میان کشورهای ساحلی و تحکیم امنیت و ثبات در دریای خزر می‌باشد و در آینده دریای خزر به دریایی برای همکاری و نه دریایی برای رقابت^۲ (Mammadov, 2018:2) تبدیل خواهد شد. این ماده و بندهای مربوط به دلیل اینکه حضور نیروی نظامی بیگانه در دریای خزر را منع می‌کند، نقطه قوت و بسیار مهم این کنوانسیون محسوب می‌شود و می‌تواند به دریای خزر به عنوان دریای صلح و دوستی کمک کند (بهشتی پور، ۱۳۹۷:۱).

همچنین موضوع تقسیم بندی دریای خزر به مناطق مختلف دریایی (طبق مواد ۵ و ۶) اهمیت و تاثیرگذاری این کنوانسیون بر گسترش همکاری میان کشورهای ساحلی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. طبق کنوانسیون، دریای خزر به مناطق دریایی شامل آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، مناطق ماهیگیری و پهنه دریایی مشترک تقسیم بندی شده است و هر کشور در خارج از قلمرو خشکی در آب‌های داخلی و آب‌های سرزمینی و بر بستر و زیر بستر و فضای هوایی آنها حاکمیت خواهد داشت. نکته بسیار حائز اهمیت اینکه این دریا بر روی کشتی‌های غیرساحلی دریای خزر کاملاً بسته است و بهره برداری از آن صرفاً در اختیار پنج کشور ساحلی آن می‌باشد. البته موضوعات مهم خطوط مبدا و تحدید حدود هنوز تعیین نشده‌اند و در آینده نیازمند مذاکرات و تفاهم پنج جانبه درباره خطوط مبدا و دوجانبه و سه جانبه در خصوص تحدید حدود بین کشورهای ساحلی می‌باشند. در همین رابطه از آنجا که

^۱. Reasonable sufficiency

^۲. Sea of Cooperation, Not Competition

تمام کشورهای ساحلی دریای خزر خواستار استفاده از خطوط مبدا مستقیم هستند، اجرای مقررات اصلی کنوانسیون عملاً منوط به انعقاد «موافقتنامه روش تعیین خطوط مبدا مستقیم در دریای خزر»^۱ است. زیرا تا زمانی که خطوط مبدا کشورهای ساحلی مشخص نشود، حدود مناطق دریایی آنها نیز مشخص نخواهد بود (صیرفی، ۱۳۹۹: ۲۹۷). مذاکرات پنج کشور ساحلی در مورد روش تعیین خطوط مبدا طبق ماده یک کنوانسیون در دستورکار قرار دارد.

نکته حائز اهمیت دیگر، طبق ماده ۹ کنوانسیون هر طرف در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین می‌کند و حق انحصاری ماهیگیری دارد ولی پهنه دریایی مشترک در حیطه رژیم آزادی قرار می‌گیرد و کشورهای ساحلی براساس این کنوانسیون و سازوکارهای بین‌المللی کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک را به طور مشترک تعیین و آن را بر طبق معیارهایی به سهمیه‌های ملی تقسیم خواهند کرد. تعیین منطقه انحصاری ماهیگیری تکلیف کشورهای ساحلی را در مورد منطقه انحصاری صید مشخص می‌نماید ضمن اینکه در جهت حفاظت از منابع زنده این دریا بسیار مهم و تاثیرگذار می‌باشد. شایان ذکر است طبق بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد بازرگانی و دریانوردی سال ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی طرفین فقط ماهیگیری را در آب‌های ساحلی خود تا حد ده مایل دریایی به کشتی‌های خود اختصاص داده بودند. پس محدوده منطقه انحصاری ماهیگیری طبق تعریف کنوانسیون (ده مایل پس از آب‌های سرزمینی) با مقررات قرارداد ۱۹۴۰ (حد ده مایل دریایی از ساحل) با هم متفاوت می‌باشد.

لازم به ذکر است کشورهای ساحلی در قالب «کمیسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر»^۲ در مورد حفاظت از آبزیان، وضعیت ذخائر آبزیان و سهمیه صید آبزیان و ممنوعیت صید ماهیان خاویاری تصمیم‌گیری می‌کنند. توافق بعمل آمده در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر موجب می‌شود که صیادان کشورهای ساحلی نسبت به محدوده خود برای صید آگاهی داشته باشند و وارد محدوده ماهیگیری کشورهای دیگر نشوند. البته در سنوات گذشته تیراندازی به سوی صیادان یا ورود آنها به آب‌های ساحلی

^۱ Agreement on Methodology for Establishing Straight Baselines in the Caspian Sea

^۲ Commission of Conservation and Rational use of the Aquatic Biological Resources of Caspian Sea

کشورهای هم‌جوار مورد اختلاف بوده است. طبق کنوانسیون، رژیم تقسیم و مدیریت منابع زنده از رژیم ناظر بر منابع معدنی در دریای خزر با هم متفاوت هستند (ممتاز، ۲۰۱۸: ۱۴). از دیگر ویژگی‌های مهم تاثیرگذار بر همکاری میان کشورهای ساحلی طبق ماده ۱۰ کنوانسیون، اجازه دسترسی کشورهای ساحلی از دریای خزر به سایر دریاها و اقیانوس جهانی می‌باشد. این موضوع برای کشورهای ساحلی محصور در خشکی^۱ بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا دسترسی این کشورها به دریاهای آزاد و کشتی رانی از راه کانال ولگا-دن^۲ به دریای سیاه و دریاهای آزاد موجب خروج از تنگنای ترانزیتی و فعال شدن مسیر ترانزیتی دریای خزر-ولگا-دن-دریای سیاه^۳ در آینده خواهد شد. آزادی دریانوردی در خارج از آب‌های سرزمینی و حق دسترسی آزاد از دریای خزر به سایر دریاها و اقیانوس جهانی و بالعکس به منظور ارتقای تجارت بین‌المللی و توسعه اقتصادی موجب گسترش بیش از پیش همکاری‌ها میان پنج کشور ساحلی دریای خزر می‌شود. در همین رابطه همکاری برای ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقلی چند وجهی، ترانزیتی، گسترش صادرات انرژی و احداث خطوط ارتباطی و مخابراتی از جمله برنامه‌های آتی کشورهای ساحلی می‌باشد. به عنوان مثال، روسیه در نوامبر سال ۲۰۱۷ استراتژی توسعه بنادر خود در دریای خزر (بنادر آستراخان^۴، اولیا^۵، مخاچ قلعه^۶ و احداث بندر در آب‌های عمیق تا سال ۲۰۲۵)، جاده‌ها، ریل‌های راه آهن برای سفرهای تفریحی تا سال ۲۰۳۰ را تصویب نمود. هدف این استراتژی ایجاد کریدور حمل و نقلی و لجستیکی پایدار، توسعه گردشگری و بازرگانی با ایران، هندوستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد (Suleymanov, 2019).

از دیگر ویژگی‌های کنوانسیون، عبور و تردد کشتی‌های کشورهای غیرساحلی دریای خزر در این دریا ممنوع می‌باشد و این دریا به صورت انحصاری در اختیار کشورهای ساحلی قرار دارد. این مسئله اولاً، موجب حفظ ثبات و امنیت در خزر می‌شود و ثانیاً، موجب تسهیل و تقویت همکاری‌ها در دریای خزر می‌گردد. پس از امضای کنوانسیون، کشورهای ساحلی در زمینه‌های ایمنی دریانوردی، جستجو و نجات، گردشگری و همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی

¹. Land Locked States

². Volga- Don Canal

³. Caspian Sea-Volga-Don- Black Sea

⁴. Astrakhan

⁵. Olya

⁶. Makhachkala

فعال شده‌اند و مذاکرات پنج‌جانبه میان آنها ادامه دارد. در همین زمینه در جهت توسعه و تقویت همکاری میان کشورهای ساحلی، اولین همایش اقتصادی دریای خزر در تاریخ ۱۲ آگوست سال ۲۰۱۹ در منطقه آوازه^۱ ترکمنستان با حضور دو هزار نفر هیات از بخش‌های دولتی و خصوصی پنج کشور ساحلی برگزار گردید. هدف از برگزاری این همایش تبدیل دریای خزر به یکی از بزرگترین مسیرهای حمل و نقلی و ترانزیتی، تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های بانکی میان کشورهای ساحلی می‌باشد. با توجه به اهمیت این موضوع در جهت گسترش همکاری میان کشورهای ساحلی، دومین همایش اقتصادی دریای خزر در سال ۲۰۲۱ در روسیه برگزار می‌شود.

کنوانسیون همچنین درباره نحوه عبور ناوگان جنگی، زیردریایی‌ها و دیگر وسایل نقلیه زیرآبی از آب‌های سرزمینی در دریای خزر هم سازوکار لازم را تعیین کرده است. بر خلاف کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، عبور ناوگان جنگی، زیردریایی‌ها و دیگر وسایل نقلیه زیرآبی از آب‌های سرزمینی در دریای خزر مشمول حق عبور بی‌ضرر^۲ نمی‌شود، بلکه طبق بند ۳ ماده ۱۱ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر عبور از آب‌های سرزمینی نباید مخل صلح، نظم حسنه یا امنیت دولت ساحلی باشد. عبور از آب‌های سرزمینی باید به طور پیوسته و سریع^۳ باشد و کشتی‌های تحت پرچم طرف‌ها باید هنگام عبور از آب‌های سرزمینی، کلیه قوانین و مقررات دولت ساحلی را رعایت نموده و چنین عبوری باید مطابق با کنوانسیون انجام شود.

در خصوص همکاری‌های علمی در دریای خزر هم طبق بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون هر طرف در اعمال صلاحیت خود از حق انحصاری برای وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریائی مربوط به منابع زنده آبی در منطقه ماهیگیری خود و نیز تحقیقات علمی دریائی مربوط به اکتشاف و استخراج منابع بستر و زیر بستر در بخش خود برخوردار خواهد بود. طبق کنوانسیون، کشتی‌های تحت پرچم کشورهای ساحلی حق دارند تحقیقات علمی دریایی را در ماورای حدود خارجی آب‌های سرزمینی انجام دهند. لازم به توضیح است، کشورهای ساحلی درباره پیش نویس موافقتنامه همکاری در زمینه تحقیقات علمی در دریای خزر به صورت پنج‌جانبه با هم مذاکره می‌کنند.

^۱. Avaza

^۲. Innocent Passage

^۳. Continuous and Expeditions

یکی دیگر از موضوعات مهم تاثیرگذار بر همکاری میان کشورهای ساحلی، تعیین نحوه تعبیه بافه‌ها^۱ و خطوط لوله زیر دریایی در بستر دریای خزر (طبق ماده ۱۴ کنوانسیون) می‌باشد. این موضوع در گذشته به دلیل حساسیت‌های سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی همواره مورد بحث و اختلاف کشورهای ساحلی بوده است. طبق کنوانسیون، احداث و تعبیه بافه‌ها و خطوط لوله در کف دریای خزر به شرط رعایت مقررات و استانداردهای زیست محیطی و الزامات مندرج در موافقتنامه‌های بین‌المللی که طرف‌ها عضو آن هستند و همچنین کنوانسیون چارچوبی حفاظت از محیط زیست دریای خزر و پروتکل‌های مربوطه^۲ آن و با در نظر گرفتن ملاحظات محیط زیستی دیگر کشورهای ساحلی خزر قابل انجام است و حتی می‌تواند، تولید ثروت و توسعه اقتصادی کشورهای ساحلی را تسهیل نماید. طبق پروتکل‌های موجود، چنانچه هر کشور ساحلی قصد اجرای طرح‌های کلان در دریای خزر را داشته باشد، قبلاً باید گزارش مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی فرامرزی اجرای آن طرح را به سایر کشورهای ساحلی جهت ارزیابی و اعلام نظر ارسال نمایند. تعیین چنین سازوکاری در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی را تعیین نموده و بر همکاری میان آنها تاثیر می‌گذارد. یکی از عناصر اصلی در زمینه اجرای طرح‌های اقتصادی در دریای خزر اینکه ایمنی هر طرح باید تضمین شود، روسیه به همراه ایران این توانمندی را دارند تا گفتگوی سازنده‌ای را میان پنج کشور ساحلی درباره اجرای تعهدات کنوانسیون و نظارت بر اجرای طرح‌های بزرگ اقتصادی در دریای خزر به وجود آورند (Suleymanov, 2019).

ضمناً در ماده ۱۵ کنوانسیون به موضوع حمایت و حفاظت از تنوع زیستی دریای خزر، احیا و مدیریت منابع زنده و جلوگیری و کاهش و کنترل آلودگی از هر منبع مورد تاکید قرار گرفته و کشورهای ساحلی ملزم به رعایت آنها هستند. این موارد مهم هم قطعاً بر حفاظت از منابع زیستی دریا و همکاری میان کشورهای ساحلی تاثیر مثبت می‌گذارد و موجب تحکیم

^۱. Cables

^۲. کنوانسیون چارچوبی حفاظت محیط زیست دریایی دریای خزر (کنوانسیون تهران) در سال ۱۳۸۲ در تهران امضاء شد و در ۲۱ مرداد ۱۳۸۵ لازم‌الاجراء شده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به پروتکل ارزیابی اثرات فرامرزی در دریای خزر (EIA) مراجعه شود. لازم به توضیح است که در چارچوب کنوانسیون مذکور پروتکل آمادگی، واکنش و همکاری منطقه‌ای در مبارزه با سوانح آلودگی نفتی، پروتکل حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی و پروتکل حفاظت از تنوع زیستی در دریای خزر به امضاء رسیده اند.

همکاری‌ها خواهد شد. کشورهای ساحلی در زمینه حمایت و حفاظت از تنوع زیستی دریای خزر پروتکلی را با هم امضاء کردند که مراحل تصویب را در مجالس این کشورها می‌گذرانند. کشورهای ساحلی طبق کنوانسیون در خصوص تعامل و همکاری میان نیروهای مرزبانی مطابق ماده ۱۷ کنوانسیون، مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان یافته، مبارزه با مواد مخدر و مواد روانگردان، پیشگیری و مقابله با قاچاق مهاجران از طریق دریا با یکدیگر همکاری خواهند کرد. برخی اسناد مربوطه در این زمینه‌ها میان کشورهای ساحلی امضاء شده و برخی در دست مذاکره قرار دارند. حصول این تفاهات بر گسترش همکاری میان کشورهای ساحلی و تحکیم ثبات و امنیت در دریای خزر تأثیرات مثبت خواهند گذاشت. نکته حائز اهمیت اینکه طبق ماده ۱۹، کنوانسیون به منظور بررسی روند همکاری‌ها در دریای خزر و اجرای موثر کنوانسیون، رایزنی‌های پنج جانبه منظم تحت سرپرستی وزارت امور خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر تاسیس گردیده و اجلاس‌های آن تحت مدیریت نمایندگان ویژه در قالب «گروه کاری مقامات عالی رتبه مسائل دریای خزر»^۱ در یکی از کشورهای ساحلی برگزار می‌شود. تاکنون اولین و دومین اجلاس گروه کاری یاد شده در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در جمهوری آذربایجان (باکو) و قزاقستان (نورسلطان) و سومین اجلاس در تاریخ ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۹ در فدراسیون روسیه (مسکو) برگزار شده است.

۳. دیدگاه منتقدان

پس از امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، برخی اندیشمندان و محققین در کشورهای ساحلی نسبت به امضای این کنوانسیون واکنش‌های متفاوت نشان داده‌اند. عمده این واکنش‌ها از سوی برخی از محققین ایرانی معطوف به از دست رفتن سهم ایران از این پهنه آبی براساس قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بود که مدعی بودند، ایران از سهم پنج‌ده درصدی خود چشم‌پوشی کرده است. ویژگی مشترک این گونه اظهارنظرها، فقدان ارائه مستندات حقوقی بود. این در حالی بوده است که در سایر کشورهای ساحلی در خصوص امضای این کنوانسیون واکنش‌های منفی وجود نداشته است.

^۱. High-Level Working Group on Caspian Sea

یکی از ایرادهای مطرح شده در مورد عدم تعیین تکلیف قطعی خط مبدأ و تحدید حدود در کنوانسیون بوده است و اساساً چه ضرورتی وجود داشت که کنوانسیون به امضاء برسد؟ ایراد دیگر آنکه در این کنوانسیون صلاحیت دیوان بین‌المللی لاهه برای رسیدگی به اختلافات مورد پذیرش قرار نگرفته و هیچ مرجع بین‌المللی دیگری نیز در این زمینه به رسمیت شناخته نشده است.

در پاسخ به انتقادهای مطرح شده درباره کنوانسیون موارد زیر قابل توجه می‌باشد؛ اولاً؛ بخش‌هایی از دو موافقتنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به دریای خزر مربوط است و تا قبل از امضای کنوانسیون، هیچگاه یک سند مستقل و جامع در مورد دریای خزر تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وجود نداشته است. ثانیاً؛ قریب به یک‌صد سال از ۱۹۲۱ و هشتاد و یک سال از ۱۹۴۰ می‌گذرد و در این قراردادها هیچ مطلبی در مورد موضوعات بهره‌برداری از منابع انرژی، حفاظت از محیط زیست دریا و سایر موضوعات مندرج در کنوانسیون، وجود ندارد. ثالثاً؛ در این قراردادها از مناطق دریائی ایران و اتحاد جماهیر شوروی، تقسیم کف و تحدید حدود بستر و زیربستر دریای خزر مطالبی وجود ندارد.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت در واکنش به انتقادهای درباره امضای کنوانسیون اظهار داشت، "کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر نه تنها تمامیت ارضی ما را حفظ می‌کند بلکه باعث می‌شود روابط دوستانه و صمیمانه ما با همسایگان شمالی ما حفظ شود و گسترش پیدا کند. این کنوانسیون منافع ایران از جمله منافع ارضی را تضمین می‌کند. در این کنوانسیون هیچ اقدامی که به ضرر تمامیت ارضی ما باشد وجود ندارد و در مورد تعیین بستر و زیر بستر در این کنوانسیون توافقی صورت نگرفته است. گروه‌هایی در ایران در مقطعی مدعی بودند که دریای خزر دریایی مشاع است و بر این اساس بحث ۵۰ درصد سهم ایران و ۵۰ درصد سهم شوروی را مطرح می‌کردند. این تصور در حالی مطرح بود که هیچ مبنائی در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ندارد. کنوانسیون هیچ تاثیری بر این که دو قرارداد مذکور را لغو کند، ندارد و در ارتباط با سهم ایران از دریای خزر نه موضوع ۵۰ درصد و نه ۱۱ درصد، هیچ کدام مبنا ندارد" (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۴ مرداد ۱۳۹۷). آنچه که درباره سهم ایران از دریای خزر صحبت می‌شود، مربوط به بستر و زیر بستر دریا است که هنوز برای کشورهای ساحلی مشخص نشده و ممکن است این مذاکرات سال‌ها طول بکشد. طبق کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر پس از تعیین خطوط مبدأ به غیر از

محدود حاکمیتی آب‌های داخلی و آب‌های سرزمینی، هر طرف طبق ماده ۹ کنوانسیون در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل تعیین خواهد کرد و در این منطقه از حقوق حاکمه^۱ و حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی برخوردار است. بقیه محدوده دریای خزر به صورت پهنه دریایی مشترک باقی می‌ماند و بدیهی است که ایران مانند سایر کشورهای ساحلی حق دارد از منافع این پهنه مشترک در زمینه صید و کشتی رانی بهره‌مند شود. همچنین طبق ماده ۲۱ کنوانسیون اختلاف و مناقشات راجع به تفسیر و اجرای کنوانسیون باید توسط طرف‌ها از طریق رایزنی‌ها و مذاکرات حل و فصل شود و صلاحیت اجباری برای دیوان بین‌المللی دادگستری در این کنوانسیون دیده نشده است. یکی از دلایل اصلی این تصمیم سران کشورهای ساحلی می‌تواند این باشد که از زمان شروع مذاکرات طی چند سال گذشته، کشورهای ساحلی همواره تأکید می‌کردند، همه مسائل این دریا صرفاً با اتفاق آراء و از طریق گفتگو و مذاکره میان پنج کشور ساحلی دریای خزر حل و فصل می‌شوند؛ لذا این مسئله مهم در کنوانسیون هم مد نظر قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

منطقه دریای خزر که در برگیرنده پنج کشور ساحلی است از لحاظ سیاسی، امنیتی، راهبردی و ملاحظات ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر، ناگزیر وضعیت حقوقی این دریا که به واسطه قراردادهای قبلی (به صورت ناقص) شکل گرفته بود، تحت تأثیر قرار داد و باعث اختلاف در خصوص رژیم حقوقی این دریا شده است. کشورهای جدید حاشیه دریای خزر در ابتدا با استناد به عدم وجود سندی که صرفاً به مسایل دریای خزر اختصاص داشته باشد؛ جوابگو نبودن اسناد قبلی با توجه به گذشت زمان طولانی از انعقاد آنها؛ ضرورت انعقاد اسناد جدید با توجه به نیاز روز کشورهای ساحلی؛ لزوم مرزبندی و تقسیم بندی مناطق دریای خزر براساس تغییرات ژئوپلیتیک به دنبال ایجاد نظام حقوقی جدید دریای خزر با حضور پنج کشور ساحلی بودند. این کشورها با توجه به اولویت‌های مورد نظر (اولویت منافع امنیتی و حاکمیتی یا اولویت بهره‌برداری اقتصادی و تجاری از دریای خزر)، مواضع و منافع خود را در

^۱. Exclusive Rights

این دریا دنبال نمودند. در همین راستا، حساسیت کشورهای ساحلی به هویت تاریخی خود، فوریت نیاز به درآمدهای نفت و گاز برای توسعه در کنار مجموعه ای از عوامل سیاسی و حقوقی سبب شده‌اند، هر یک از کشورهای ساحلی، رژیم حقوقی دریای خزر را به نفع خود تفسیر و تدبیر کنند. مواضع غیرهمسو این کشورها درباره رژیم حقوقی این دریا تا قبل از امضای «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» مانع از شکل‌گیری همکاری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در دریای خزر شده بود و برخی مواقع حتی تا حد تهدید نظامی علیه یکدیگر در دریای خزر پیش می‌رفت. بدیهی است که ادامه چنین وضعیتی می‌توانست، منطقه دریای خزر را به سمت بی‌ثباتی و تنش بیشتر سوق دهد.

در چنین فضای متزلزل سیاسی و امنیتی، کشورهای ساحلی با توجه به پیوستگی جغرافیایی، الزامات و نیازهای درون منطقه‌ای و سرنوشت مشترک آنها در دریای خزر و همچنین به دلیل تلاقی منافع ژئوپلیتیک آنها تصمیم گرفتند در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر رفتار همکاری‌جویانه‌ای با هم داشته باشند و نباید اجازه دهند دریای خزر به منطقه‌ای برای ایجاد تنش‌های جدید باشد. با توجه به پرسش محوری و فرضیه این مقاله می‌توان تأیید نمود «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» به مثابه قانون اساسی این دریا با تعیین چارچوب کلی همکاری میان کشورهای ساحلی، فضای اعتماد و مثبتی را برای همگرایی و همکاری میان کشورهای ساحلی فراهم نموده و با توجه به فرصت‌های ایجاد شده در نتیجه امضای این کنوانسیون، کشورهای ساحلی می‌توانند دریای خزر را به قطب دیگری از همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل نموده، مشکلات و بحران‌های آتی را مدیریت و از منابع و فرصت‌های موجود در دریای خزر به نفع ملت‌های خود استفاده کنند. توافق از جمله درباره ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای ثالث در دریای خزر، استفاده از دریای خزر برای مقاصد صلح‌آمیز، تبدیل آن به منطقه صلح، حسن همجواری و همکاری و حل کلیه مسائل این دریا از طرق مسالمت‌آمیز و در اختیار قرار ندادن قلمرو خود توسط هر یک از طرف‌ها به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز و انجام سایر اقدامات نظامی علیه هر طرف، مطابق بندهای ۲، ۶ و ۷ ماده ۳ کنوانسیون و سایر موضوعات مندرج در آن دستاوردی مهم می‌باشد و می‌تواند موجب تحکیم صلح، ثبات و همکاری میان کشورهای ساحلی دریای خزر شود. این کنوانسیون همچنین ضمن رفع خیلی از ابهام‌ها و اختلاف نظرها درباره رژیم حقوقی دریای خزر، با ایجاد تعادل و توازن در منافع و نگرانی‌های کشورهای ساحلی، فرصت‌های جدید و

خوبی را برای همکاری در ابعاد مختلف میان کشورهای ساحلی فراهم نموده و به عنوان الگوی موفق در سایر زمینه‌ها نیز کمک خواهد کرد. امید است با توافق هر چه زودتر درباره روش تعیین خطوط مبدا میان کشورهای ساحلی، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر هم سریع‌تر اجرایی شود و شاهد گسترش بیش از پیش همکاری میان کشورهای ساحلی دریای خزر در آینده باشیم.

منابع و ماخذ

- امیراحمدیان، بهرام، گودرزی، مهناز (۱۳۸۹)، *دریای خزر منافع روسیه و امنیت ایران*، نشر قومس، ۱۲.
- بهشتی پور، حسن (۱۳۹۷)، «*تحلیل کنوانسیون رژیم حقوقی خزر از منظر فرصت‌ها و تهدیدها*»، *تارنما دیپلماسی ایرانی*، شماره ۱۹۷۸۸۴۸.
- بهمنی، ناصر (۱۳۸۹)، *آخرین تحولات رژیم حقوقی دریای خزر و مواضع جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات شلفین، ۳۱ - ۷۲.
- سیمبر، رضا، افشاریان، کیوان (۱۳۹۹)، «*تبیین دستور کار همگرایی منطقه دریای خزر با تاکید بر وابستگی متقابل*»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۹، ۷۵-۷۷.
- دمیرچی لو، مجتبی (۱۳۹۸)، *نظام حقوقی فعالیت‌های نفتی در دریای خزر*، تهران، انتشارات نگارستان اندیشه، ۹-۱۸۷.
- میرطاهر، سیدرضا، سپهریان، سهراب (۱۳۸۱)، *ویژگیهای دریای خزر و نظام منطقه‌ای آن*، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۴۵.
- محمدی، سهراب (۱۳۹۰)، «*پیچیدگی‌های رژیم بهره‌برداری از منابع نفتی دریای مازندران و مسائل پیش روی ایران*»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای سال دوازدهم*، شماره ۳، ۱۰۹-۱۱۱.
- *تارنمای دیپلماسی ایرانی* (۱۳۹۹)، «*موانع گسترش همکاری ایران و روسیه در دریای خزر*»، شماره ۱۹۹۲۴۷۵.
- صیرفی، ساسان (۱۳۹۹)، «*خط مبدا در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر*»، *فصلنامه مطالعات حقوقی عمومی*، دوره ۵، شماره ۱، ۲۹۷.
- هاشمی، غلامرضا (۱۳۹۹)، *پیشینه مذاکرات و اسناد پنج جانبه دریای خزر*، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۲۰-۲۲.
- خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۳۹۷)، «*سهم ایران از دریای خزر نه ۵۰ درصد است نه ۱۱ درصد/آمریکایی‌ها در موضوع مذاکره جدی نیستند*»، ۲۴ مردادماه

- Bayramov, Agha (a) (2020), "Conflict, Cooperation or Competition in the Caspian Sea Region: A Critical Review of the New Great Game Paradigm", *Caucasus Survey*, Volume 9, 2021- Issue 1, Available at : <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/23761199.2020.1774856>, P.25, Accessed on: 17 September 2020.

- Bayramov, Agha (b) (2020), "The Reality of Environmental Cooperation and the Convention on the Legal Status of the Caspian Sea", *Central Asian Survey*, *Central Asian Survey Volume 39*, 2020 - Issue 4, Available at:

- <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/02634937.2020.1815653>, P.14.
Accessed on: 17 December 2020.
- Garibov, Azad (June 2019), “Key Disputes Remain Unsettled in the Caspian Sea Despite the Signing of the Convention on Legal Status”, The EU, Central Asia and the Caucasus in the International System (EUCACIS),NO.8, P.3-4, Available at:
<https://www.cife.eu/Ressources/FCK/EUCACIS%20inBrief%20Garibov.pdf>,
Accessed on: 20 October 2019.
 - Greenwood, Phoebe (2018),“Landmark Caspian Sea Deal Signed by Five Coastal Nations”, The Gurdian,P.1, Available at:
<https://www.theguardian.com/world/2018/aug/12/landmark-caspian-sea-deal-signed-among-five-coastal-nations> , Accessed on: 12 August 2019.
 - Jansusz, Barbara.(2005),Tha Caspian Legal Status and Regime Problem", *Chatham House's Russia and Eurasia Programe Report*,P.5, Available at:
<https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Russia%20and%20Eurasia/bp0805caspian.pdf>, Accessed on: 17 March 2019.
 - Kepbanov, Yolbars A.(1998), “ The New Legal Status of the Caspian Sea is the Basis of Regional Cooperation and Stability, Journal of International Affairs, Voume11-Number 4,P.1, Available at:
<http://sam.gov.tr/pdf/perceptions/Volume-II/december%201997-february%201998/YOLBARS-A.-KEPBANOV.pdf>, Accessed on:18 October 2019.
 - Mammadov, Farhad (2018), “The Caspian Sea Is a Sea of Cooperation, Not Competition”,*Valdai Discussion Club*, Expert Opinions.P.2, Available at:
<https://valdaiclub.com/a/highlights/the-caspian-sea-is-a-sea-of-cooperation/>,
Accessed on: 10 August 2019.
 - Momtaz, Djamshid (2018),“Le Statut Juridique De Mer Caspienne: La Convention D’aktau Du 12 Aout 2018”, *Annuaire Francais De Droit International LXIV-2018-Cnrs Edition*, Paris. P14.
 - Müller Daniel and Ketevan Betaneli (2018), “The New Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: New Opportunities and New Challenges”, *Freshfields Bruckhaus Deringer*,,P.4, Available at:
<https://riskandcompliance.freshfields.com/post/102f4ts/the-new-convention-on-the-legal-status-of-the-caspian-sea-new-opportunities-and>, Accessed on: 25 April 2019.
 - Orazgaliyev, S., & Araral, E. (2019),“Conflict and Cooperation in Global Commons: Theory and Evidence from the Caspian Sea”, *International Journal of the Commons*, P.974, Available at:
<https://www.readcube.com/articles/10.5334/ijc.914>, Accessed on: 20 February 2020.
 - Pritchins, Stanislav (2019),“Russia’s Caspian Policy”, *Russian Analytical Digest* No. 235, 18 April 2019,P.4, Available at:
<https://css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/RAD235.pdf> , Accessed on: 29 June 2020.

- Ramazanova, Emilia.(2012),“The Caspian Sea: Legal Challenges of Delimitation between Littoral States, University of Tromsø, Faculty of Law,P.13, Available at:
<https://munin.uit.no/bitstream/handle/10037/5116/thesis.pdf?sequence=2>,
Accessed on: 19 November 2020.
- Suleymanov, Asim (2019),“Potential for Development of Caspian States Cooperation”, *Modern Diplomacy*, P.1-2, Available at:
<https://modern diplomacy.eu/2019/12/18/potential-for-development-of-caspian-states-cooperation/>, Accessed on: 05 September 2020.
- Saivetz, Carol (2000), “Caspian Geopolitics: the View from Moscow”, *The Brown Journal of World Affairs*, Vol. vii, P.53, Available at:
<https://www.jstor.org/stable/24590440?seq=1>, Accessed on: 21 HUNE 2020.
- Vinogradov, S, & Wouters, P. (1995), “The Caspian Sea: Current Legal Problems”, *University of Dundee*, P.607, Available at:
https://www.zaoerv.de/55_1995/55_1995_2_a_604_623.pdf , Accessed on: 12 March 2020.
- <https://www.bbc.com/news/world-45162282>, “Caspian Sea: Five Countries Sign Deal to End Dispute”, 12 August 2018,P.1, Available at:
<https://www.bbc.com/news/world-45162282>, Accessed on: 20 January 2020.
- https://www.esiweb.org/pdf/esi_turkey_tpq_id_104.pdf, Available at:
https://www.esiweb.org/pdf/esi_turkey_tpq_id_104.pdf, Accessed on: 20 November 2020.
- <https://www.adb.org/publications/barriers-solutions-economic-integration-caspian-sea-countries>,Barriers and Solutions to Economic Integration of Caspian Sea Countries, Publication | April 2020, Available at:
<https://www.adb.org/sites/default/files/publication/579731/adbi-wp1108.pdf>
Accessed on: 20 October 2020.
- <http://www.president.ir/EN/75059>, Accessed on: 20 October 2020.